

## رابطه سرمایه‌های روانشناختی و الگوهای ارتباطی با خشونت خانگی در زنان متأهل در سال ۱۳۹۵

راضیه کرامتی<sup>۱</sup>

زهره سپهری شاملو<sup>۲\*</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه سرمایه‌های روانشناختی و الگوهای ارتباطی با خشونت خانگی انجام گرفت. برای انجام این پژوهش ۲۰۳ زن، به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین زنان متأهل سطح شهر بجنورد انتخاب شدند. روش این پژوهش توصیفی-همبستگی بود و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه تاکتیک‌های تعارضی (CTS-۲) استراس و همکاران، پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز (PCQ) و پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین- کریستنسن و سولاوای (CPQ) استفاده شد. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از آزمون رگرسیون چندمتغیره انجام گرفت. نتایج حاکی از آن بود که الگوی سازنده‌گرایی متقابل، خشونت دریافت شده را در جهت منفی ( $P < ۰/۰۱$ ) و الگوی توقع/کناره‌گیری نیز خشونت دریافت شده را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کند ( $P < ۰/۰۵$ ). همچنین نتایج نشان داد که سرمایه‌های روانشناختی (خودکارآمدی و امیدواری)، خشونت خانگی را به طور معناداری در جهت منفی پیش‌بینی می‌کنند ( $P < ۰/۰۵$ ). با توجه به نتایج حاصله می‌توان گفت که الگوهای ارتباطی ناکارآمد و سرمایه‌های روانشناختی پایین زنان منجر به افزایش میزان خشونت اعمال شده بر آنان می‌شود و به نوعی می‌توان بخشی از میزان خشونت دریافت شده را با ویژگی‌های شخص قربانی خشونت، مرتبط دانست.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌های روانشناختی، الگوهای ارتباطی، خشونت خانگی.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه فردوسی مشهد، raziye.keramati@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، z.s.shamloo@um.ac.ir

## مقدمه

خانواده به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی است که سلامت آن منوط به سلامت روانی<sup>۱</sup> افراد و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر است (گلدنبرگ و گلدنبرگ<sup>۲</sup>، ترجمه نقشبندی، ۱۳۹۵). خشونت خانگی<sup>۳</sup> یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانواده است که قدمتی به تاریخ خانواده‌ها دارد (اوشی، کالینز، ایلیز و دالی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). خشونت عبارتست از یک الگوی رفتاری که از طریق توسل به ایجاد ترس، تهدید، رفتار آزاردهنده به منظور اعمال قدرت و کنترل بر فردی نزدیک تحمیل می‌شود و شامل سوء استفاده جسمی، جنسی، اقتصادی و تهدیدات لفظی و متارکه می‌باشد (علی کمالی، رحیمی کیان، میرمحمدعلی، مهران و شفیع، ۱۳۹۴). خشونت خانگی یکی از مسائل مهم بهداشت عمومی و مسئله حقوق بشر است و به معنی رفتار خشونت آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است (سازمان بهداشت جهانی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). معمولاً زنان و دختران نخستین قربانیان خشونت خانگی هستند (احدی، رهنوردی، کیانی و پورحسین قلی، ۱۳۹۳)، همسر آزاری<sup>۶</sup> یکی از مصادیق خشونت خانگی است که تأثیرات مخرب اساسی بر سلامت جسمی و روان زنان دارد (امینی، حیدری، دانش پرور، قرانی و مهران، ۱۳۹۳).

در بررسی علل وقوع پدیده همسرآزاری دلایل متعددی مورد بحث و توجه قرار گرفته است. با موشکافی مطالعات انجام گرفته در زمینه همسرآزاری می‌توان از نقش یک عامل مشترک، تحت عنوان الگوهای ارتباطی<sup>۷</sup> زوجین پرده برداری کرد. الگوهای ارتباطی زوجین عبارتند از ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع/کناره‌گیری (شیخی کوهساری، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش‌های متعددی در این حوزه حاکی از آن است که در خانواده ارتباط زناشویی می‌تواند دست مایه‌ی شادی و یا منبع بزرگ رنج و تالم باشد (یانگ و لانگ<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴). در حقیقت یکی از مسائل زندگی سالم در هر اجتماع و زندگی زناشویی مهارت در روابط بین فردی<sup>۹</sup> است (ویلیامسون، آلتمن، هسو و بردبوری<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۶). ارتباط زناشویی نامطلوب به گسترش پدیده خشونت خانگی دامن می‌زند و یکی از علل مشترک خشونت‌های خانگی ارتباطات ناسالم و معیوب زوجین است (فالر، اسکولر، ریچارد، هیکل، ویس و کوفنر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۳؛ آدچی و ویلوگی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۳؛ خدایاری فر، زارع پور و حجازی، ۱۳۹۰؛ جوادی، سپهوند، محمودی و سوری، ۱۳۹۲؛ فتحی اقدامی، احدی، جمهری و فرخی، ۱۳۹۲؛ رونان و دریر<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۴؛ ساکیکو، کیکو و آکمی<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین الگوهای ارتباطی خوب و مطلوب فراهم کننده شکوفایی و تحول سایر جنبه‌های شخصیت می‌باشد و بروز اختلال یا وجود نقص در روابط بین فردی که در متون علمی تحت عنوان مشکلات بین فردی<sup>۱۵</sup>

1. Mental Health
2. Goldenberg & Goldenberg
3. Domestic violence
4. O'Shea, Collins, Ailis, Daly
5. World Health Organization
6. intimate partner violence
7. Communication Models
8. Young & Long
9. interpersonal relationships
10. Williamson, Altman, Hsueh & Bradbury
11. Faller, Schuler, Richard, Heckl, Weis & Küffner
12. Adachi & Willoughby
13. Ronan & Dreer
14. Sakiko, Keiko & Akemi
15. Interpersonal Problems (IPP)

متداول است، می‌تواند به دامنه‌ی وسیعی از رفتارهای مرضی نظیر خشونت خانگی منجر شود (بشارت، محمدمهر، پوربهلول و عزیزی، ۱۳۹۱). پژوهشگران در خصوص علل این مسئله، به اهداف و انتظارات زوجین از ازدواج اشاره می‌کنند (گلدسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). چون افراد در اهداف بین شخصی‌شان متفاوت‌اند، انواع مختلفی از مشکلات بین شخصی، رفتار ناسازگارانه را برای افراد متفاوت تسریع می‌کند، حتی اگر آن افراد تشخیص‌های روانشناختی یکسانی داشته باشند (هرویتز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). به بیان دیگر انتظارات آن‌ها از رابطه زناشویی بیشتر و گسترده تر و در بسیاری از مواقع، غیر منطقی‌ست (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶) که این انتظارات می‌تواند منجر به الگوی معیوب روابط بین آنها شده و به رفتارهایی نظیر همسرآزاری و مورد خشونت واقع شدن بیانجامد اما چنین مسئله‌ای در هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد بررسی قرار نگرفته است درحالی که تحقیقات نشان داده اند که الگوهای ارتباطی و میزان ارتباط بین همسران، پیش‌بینی کننده رضایت‌مندی زناشویی و کیفیت بهتر زندگی است (فالر، چولر، ریچارد، هکل، ویز و کیفنر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳؛ ایمهوند، ایوازی و ایفانکو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ شیلینگ، بوکام، بورت، آلن و روگلد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ ویلیامسون و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین اهمیت بررسی این مسئله بدیهی به نظر می‌رسد.

یکی از دیگر عواملی که می‌تواند در روند و ایجاد همسر آزاری نقش داشته باشد سرمایه روان‌شناختی<sup>۶</sup> هر فرد است. سرمایه روان‌شناختی مفهوم جدیدی است که به تازگی توسط لوتانز<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) معرفی شده است. نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه رفتار مثبت‌گرا حاکی از آن است که ظرفیت‌های روان‌شناختی، از قبیل: امیدواری<sup>۸</sup>، تاب‌آوری<sup>۹</sup>، خوش‌بینی<sup>۱۰</sup> و خودکارآمدی<sup>۱۱</sup>، در کنار هم، عاملی را با عنوان «سرمایه روان‌شناختی» تشکیل می‌دهند (اوی، پاترا و وست<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶). سرمایه روان‌شناختی یک حالت توسعه‌ای مثبت روان‌شناختی با مشخصه‌های متعهد شدن و انجام تلاش لازم برای موفقیت در کارها و وظایف چالش بر انگیز (اعتماد به نفس/خودکارآمدی)؛ داشتن استناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده (خوش‌بینی)؛ پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت (امیدواری) و پایداری هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات برای دست‌یابی به موفقیت (انعطاف‌پذیری) است (ولومبوا، لوتانز، اوی و اوکه<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۱؛ لوتانز، یوسف و اوولویو<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۷). هرچند که ممکن است از نظر لغوی این مؤلفه‌ها بسیار شبیه به هم و قابل جایگزین به نظر بیایند اما ادبیات سرمایه روان‌شناختی بین مفاهیم تمایز قائل شده و تحلیل‌های تجربی نیز از وجود اختلاف معنادار بین این مفاهیم حکایت دارند (براینت و کونگراس<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۲؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷). سرمایه روان‌شناختی

1. Goldsmith
2. Horowitz
3. Faller, Schuler, Richard, Heckl, Weis & Küffner
4. Imhonde, Oyaziwo, A.; & Ifunanyachukwu
5. Schiling, Baucom, Burnett, Allen, Rogland
6. psychological capital
7. Luthans
8. Hope
9. resiliency
10. optimism
11. self-efficacy
12. Avey, Patera & West
13. Walumbwa, Luthans, ovey & Oke
14. Luthans, Youssef & Avolio
15. Bryant & Cvengros

سازه‌ای بود که در ابتدا و در غالب پژوهش‌ها در حوزه شغلی مطرح بود اما نتایج پژوهش‌های جدید حاکی از تأثیر سرمایه‌های روانشناختی در سلامت خانواده و روابط زوجین می‌باشد (پناهی و فاتحی زاده، ۱۳۹۳)، بنابراین می‌توان از احتمال تأثیر سرمایه‌ها روانشناختی در خشونت خانگی و شکل خاص آن یعنی همسرآزاری سخن به میان آورد.

در مجموع چنانکه مشاهده می‌شود نقش سرمایه‌های روانشناختی و الگوهای ارتباطی می‌تواند در میزان مورد روش نمنه گیری توضیح داده شود خشونت اعمال شده بر زنان توسط سرمایه‌های روانشناختی و الگوهای ارتباطی آنان قابل پیش بینی است؟

### روش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل شهر بجنورد بود. نمونه‌ی آماری این پژوهش ۲۰۳ نفر از زنان متأهل بود که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت تعیین حجم نمونه، با توجه به نامشخص بودن تعداد جامعه، از توصیه دلاور (۱۳۹۵) برای تحقیقات همبستگی، که ۱۶۰ نفر را برای اینگونه تحقیقات مکفی می‌داند، استفاده شد؛ اما به جهت افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها، ۲۰۳ نفر که حاضر به همکاری بودند، به عنوان شرکت کنندگان پژوهش انتخاب شدند. جهت انتخاب نمونه به مدارس، ادارات، دانشگاه‌ها و منازل مراجعه نموده و زنان متاهلی که حاضر به همکاری شدند به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

### ابزار

مقیاس تاکتیک‌های تعارضی (CTS-۲) استراس و همکاران: این مقیاس به صورت دوجانبه (وقتی زنان و مردان از شرایط خشم حاکم بر خود گزارش می‌دهند و یا آن زمان که خشونت می‌ورزند) به ارزیابی خشونت خانوادگی اختصاص دارد و خشونت را در ابعاد جسمانی، روان شناختی، زورگویی جنسی و آسیب و صدمه جسمی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مقیاس فوق دارای یک خرده مقیاس برای نشان دادن استفاده از مذاکره به عنوان روشی غیرخشن نیز می‌باشد. ضریب پایایی مقیاس ۰/۸۸ و ثبات درونی مقیاس‌های پنج گانه از ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (استراس، هامبی، سوی و دیوید، ۱۹۹۶). این مقیاس در ایران برای نخستین بار توسط محمدخانی (۱۳۸۴) به فارسی برگردانده و به کار گرفته شد. در پژوهش محمدخانی (۱۳۸۴) میانگین ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ از ۰/۷۹ برای خشونت روان شناختی تا ۰/۹۱ برای مذاکره گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای این مقیاس، آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه سرمایه روان شناختی لوتانز (PCQ): برای سنجش سرمایه روان شناختی از پرسشنامه لوتانز (۲۰۰۷) استفاده شده است. این پرسشنامه از مقادیر استاندارد شده، که به طور وسیعی برای ساختارهایی که امید، تاب آوری، خوش بینی و خودکارآمدی را می‌سنجد، مورد استفاده قرار گرفته است و قابلیت اعتبار و پایایی این خرده مقیاس‌ها نیز تأیید شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ سوال است که هر خرده مقیاس شامل ۶ گویه است و آزمودنی به هر گویه در مقیاس ۶ درجه ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهد. برای به دست آوردن نمره سرمایه روان شناختی، ابتدا نمره ی هر خرده مقیاس به صورت جداگانه به دست آمد و سپس مجموع آن‌ها به عنوان نمره کل سرمایه روان شناختی محسوب می‌شود (نقل از محبی نورالدین وند، شهنی بیلاق و شریفی، ۱۳۹۳). در این پژوهش، پایایی مقیاس با استفاده از

آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین - کریستنسن و سولاوای (CPQ): این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی نسبتاً جدید است که به منظور برآورد ارتباط زناشویی زوجین طراحی شده است. CPQ از ۳۵ سوال تشکیل شده که رفتارهای زوجین را در طی سه مرحله تعارض زناشویی توصیف می‌کند. این مراحل عبارتند از الف- هنگامی که مشکلی در رابطه زوجین وجود می‌آید، ب- در طول بحث راجع به مشکل ارتباطی و ج- بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی. زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه ای لیکرت که از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) تنظیم شده، درجه بندی می‌کنند. CPQ از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: ارتباط توقع / کناره گیری، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل. تحقیقات قبلی که از CPQ استفاده نموده اند روایی و پایایی قابل قبولی را برای خرده مقیاس‌های مختلف آن فراهم نموده اند. کریستنسن و شنک (۱۹۹۱) روایی سه خرده مقیاس این پرسشنامه را از ۰/۷۰ تا ۰/۹۱ گزارش نمودند. در ایران عبادت پور (۱۳۷۹) به منظور برآورد روایی این پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH را بدست آورد. ضرایب همبستگی بدست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل (پنج سوالی)، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع /کناره گیری به ترتیب عبارت بودند از ۰/۵۸، ۰/۵۸ و ۰/۳۵- که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار بودند. آلفای کرونباخ برای مردان و زنان در این خرده مقیاس به ترتیب عبارت از ۰/۸۴ و ۰/۸۱ بود (نقل از عبادت پور، ۱۳۷۹). در این پژوهش، ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ به دست آمد.

در انجام اعمال آماری، ابتدا برای توصیف داده‌ها از میانگین، انحراف معیار واریانس استفاده شد و برای استنباط داده‌ها، ابتدا نرمال بودن توزیع نمرات از طریق آزمون کولموگروف- اسمیرنوف بررسی شده و پس از بررسی پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون، از روش رگرسیون چندمتغیره برای بررسی فرضیات استفاده گردید. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS۲۰ استفاده شد.

مجموعاً ۲۰۳ نفر افراد نمونه مورد پژوهش را تشکیل می‌دادند که میانگین سنی آنان ۲۸/۲۳ سال، میانگین مدت ازدواج آنها ۶/۹۳ سال و میانگین سن ازدواج آنها ۲۱/۳۱ سال بود. همچنین ۴۷ نفر (۲۳/۲٪) از اعضای نمونه شاغل و ۱۴۲ نفر (۷۰٪) غیرشاغل بودند. توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی اعضای نمونه در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱: وضعیت تحصیلی اعضای نمونه

شاخص	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	مقادیر از دست رفته	مجموع
فراوانی	۱۳	۲۶	۵۱	۷۴	۱۶	۲۳	۲۰۳
درصد	۶/۴٪	۱۲/۸٪	۲۵/۱٪	۳۶/۵٪	۷/۹٪	۱۱/۳٪	۱۰۰٪

با توجه به نتایج جدول ۱ مشاهده می‌شود که تعداد ۱۳ نفر (۶/۴٪) از اعضای نمونه دارای تحصیلات زیردیپلم، ۲۶ نفر (۱۲/۸٪) دیپلم، ۵۱ نفر (۲۵/۱٪) فوق دیپلم، ۷۴ نفر (۳۶/۵٪) لیسانس و ۸ نفر (۵٪) فوق لیسانس و بالاتر بودند، همچنین ۲۳ نفر (۱۱/۳٪) سوال مرتبط با تحصیلات را پاسخ نگفته بودند. جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق، از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. تحلیل رگرسیون دارای دو مفروضه اساسی است، ابتدا به بررسی آنها پرداخته شد. این دو مفروضه عبارتند از ۱- نرمال بودن داده‌ها و ۲- همگنی رگرسیون (ارتباط خطی بین متغیرهای پیش بین و ملاک) که ابتدا به بررسی آنها پرداخته می‌شود. میانگین، انحراف استاندارد، بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش و پایایی (پرسشنامه‌ها) در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد و پایایی پرسشنامه‌ها

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	$Z(K_S)$	احتمال K-S	آلفای کرونباخ
الگوهای ارتباطی	۱۵۱/۶۷	۳۶/۵	۰/۷۲۴	۰/۶۷۱	۰/۸۴
سرمایه روانشناختی	۶۹/۱۹	۱۸/۵۶	۰/۵۶۷	۰/۹۰۵	۰/۹۰
خشونت دریافت شده	۱۵۰/۳۱	۲۳/۳۱	۰/۸۲۳	۰/۵۰۸	۰/۸۸

همانطور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد مقادیر احتمال آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای الگوهای ارتباطی ( $P < 0/۶۷$ )، سرمایه‌های روانشناختی ( $P < 0/۹۰$ ) و خشونت دریافت شده ( $P < 0/۵۰$ ) محاسبه شده است. این مقادیر نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر نرمال نبودن توزیع رد شده است، لذا توزیع همه متغیرها در نمونه مورد مطالعه نرمال می‌باشد؛ بنابراین برای تحلیل نتایج در مورد متغیرهای مذکور می‌توان از آزمون‌های پارامتری استفاده نمود. نتایج آلفای کرونباخ مربوط به پرسشنامه‌های استفاده شده نیز حاکی از ضریب پایایی مطلوب این پرسشنامه‌ها می‌باشد.

جهت تشخیص همخطی بین متغیرهای پیش‌بین (الگوهای ارتباطی و سرمایه‌های روانشناختی) و متغیر ملاک (خشونت دریافت شده) از مقدارهای اغماض<sup>۱</sup> و تورم واریانس<sup>۲</sup>، استفاده شد. این مقادیر حاکی از آن بود که مقدار اغماض در تمامی متغیرهای پیش‌بین کمتر از  $0/۰۱$  نمی‌باشد و مقدار تورم واریانس (VIF) نیز از  $۱۰$  بیشتر نمی‌باشد، که نشان دهنده ارتباط خطی بین متغیرهاست. بنابراین این فرض نیز تأیید می‌شود. لذا با توجه به نتایج مفروضات دوگانه فوق می‌توان از روش رگرسیون چندمتغیره برای آزمون فرضیه تحقیق استفاده کرد.

برای تعیین تأثیر الگوهای ارتباطی بر واریانس خشونت دریافت شده، ابعاد الگوهای ارتباطی به عنوان متغیر پیش‌بین و خشونت دریافت شده به عنوان متغیرهای ملاک در معادله رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند که نتایج آن در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تجزیه و تحلیل واریانس تک متغیری به منظور مقایسه میانگین نمرات خشونت دریافت‌شده در الگوهای ارتباطی

مدل	متغیر	مقادیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
	رگرسیون	۳۳۰۳۷/۸۳	۳	۱۱۰۱۲/۶۱	۲۹/۶۶	۰/۰۰۰۱**	
۱	الگوهای ارتباطی	۷۲۷۵۲/۱۱	۱۹۶	۳۷۱/۱۸			
	مجموع	۱۰۵۷۸۹/۹۵	۱۹۹				

$p < 0/۰۱$ \*\*  $p < 0/۰۵$ \*

همانطور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، مدل رگرسیونی برای پیش‌بینی خشونت دریافت شده از روی الگوهای ارتباطی معنادار است که در ادامه به بررسی آن پرداخته شده است.

1. Tolerance value
2. VIF

**جدول ۴: ضرایب رگرسیون خوشونت دریافت شده از روی الگوهای ارتباطی**

سطح معنی داری	T	ضرایب استاندارد		متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
		B	SE		
**/۰۰۱	۱۹/۶۵		۷/۷۶	۱۵۲/۵۲	مقدار ثابت
**/۰۰۱	-۸/۴۸	-۰/۵۰۷	۰/۱۴	-۱/۱۹	سازنده گرایی متقابل
۰/۳۹۱	۰/۸۶	-۰/۰۵۹	۰/۳۰۸	۰/۲۶۵	اجتناب متقابل
**/۰۱۵	۲/۴۵	۰/۱۶۷	۰/۰۴۸	۰/۱۱۹	توقع/کناره گیری

۳۰۲/۰ =ARS, ۳۱۲/۰ =RS, ۵۵۹/۰ =R

$p < 0.01^{**}$   $p < 0.05^*$

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد الگوهای ارتباطی جمعاً ۳۱/۲ درصد از واریانس خوشونت دریافت شده را به طور معناداری در جهت منفی تبیین می‌کنند. همچنین نتایج این جدول حاکی از آن است که الگوی سازنده گرایی متقابل، خوشونت دریافت شده را در جهت منفی ( $P < 0.01$ ) و الگوی توقع/کناره گیری نیز خوشونت دریافت شده را در جهت مثبت پیش بینی می‌کند ( $P < 0.05$ ). برای تعیین تأثیر سرمایه‌های روان‌شناختی بر واریانس خوشونت دریافت شده، ابعاد سرمایه‌های روان‌شناختی به عنوان متغیر پیش بین و خوشونت دریافت شده به عنوان متغیرهای ملاک در معادله رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند که نتایج آن در جدول ۵ و ۶ ارائه شده است.

**جدول ۵: نتایج تجزیه و تحلیل واریانس تک متغیری به منظور مقایسه میانگین نمرات خوشونت دریافت شده در سرمایه‌های روان‌شناختی**

مدل	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
۱	رگرسیون	۲۶۴۸۸/۱۴	۴	۶۶۲۲/۰۳	۱۵/۷۳	**/۰۰۱
	سرمایه‌های باقیمانده	۸۳۳۰۵/۶۷	۱۹۸	۴۲۰/۷۳		
	مجموع	۱۰۹۷۹۳/۸۲	۲۰۲			

$p < 0.01^{**}$   $p < 0.05^*$

همانطور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، مدل رگرسیونی برای پیش بینی خوشونت دریافت شده از روی سرمایه‌های روان‌شناختی معنادار است که در ادامه به بررسی آن پرداخته شده است.

**جدول ۶: ضرایب رگرسیون خوشونت دریافت شده از روی سرمایه‌های روان‌شناختی**

سطح معنی داری	T	ضرایب استاندارد		متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
		B	SE		
**/۰۰۱	۳۰/۱۱		۶/۲۴	۱۸۸/۰۱	مقدار ثابت
**/۰۰۱	-۳/۲۵	-۰/۲۷۸	-۰/۳۳	-۱/۰۷۴	خودکارآمدی
**/۰۴۳	-۲/۰۴	-۰/۱۹۵	-۰/۳۴۷	-۰/۷۰۸	امیدواری
۰/۷۹۴	-۰/۲۶۲	-۰/۰۲۴	۰/۴۱۲	-۰/۱۰۸	تاب آوری
۰/۴۰۱	-۰/۸۴۱	-۰/۰۶۹	۰/۴۲۵	-۰/۳۵۸	خوشبینی

۲۲۶/۰ =ARS, ۲۴۱/۰ =RS, ۴۹۱/۰ =R

$p < 0.01^{**}$   $p < 0.05^*$

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد سرمایه‌های روان‌شناختی جمعاً ۲۴/۱ درصد از واریانس خشونت دریافت شده را به طور معناداری در جهت منفی تبیین می‌کنند. همچنین نتایج این جدول حاکی از آن است که خودکارآمدی و امیدواری خشونت دریافت شده را در جهت منفی پیش بینی می‌کند ( $P < 0.05$  و  $P < 0.01$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که نتایج نشان داد الگوهای ارتباطی واریانس خشونت دریافت شده را به طور معناداری در جهت منفی تبیین می‌کنند؛ بدین صورت که الگوی سازنده‌گرایی متقابل، خشونت دریافت شده را در جهت منفی و الگوی توقع/کناره‌گیری نیز خشونت دریافت شده را در جهت مثبت پیش بینی می‌کند. نتیجه این فرضیه تحقیقاتی با بخشی از یافته‌های گلدسمیت (۲۰۱۵)؛ یانگ و یانگ (۲۰۱۴)؛ ویلیامسون و همکاران (۲۰۱۶)، بشارت و همکاران (۱۳۹۱)، فالر و همکاران (۲۰۱۳)، آداجی و ویلوگی (۲۰۱۳)، خدایاری فرو همکاران (۱۳۹۰)، جوادی و همکاران (۱۳۹۲)، فتحی اقدامی و همکاران (۱۳۹۲)، رونان و دریر (۲۰۰۴) و ساکیکو و همکاران (۲۰۱۰) همسو می‌باشد که نشان دادند نقص در الگوها و مهارت ارتباطی، رضایت زناشویی را کاهش و تعارضات زناشویی را افزایش می‌دهد.

ریان، آناستاریو و ماکوندا<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در این رابطه بیان می‌دارند که بخش اعظمی از خشونت خانگی در نتیجه عدم تعامل صحیح در خانواده ایجاد می‌شود. در تبیین یافته حاصله باید اذعان داشت که الگوهای ارتباطی کارآمد نظیر سازنده‌گرایی متقابل به زوجین این امکان را می‌دهد که تعارض‌های به وجود آمده زندگی را از طریق مصالحه، گفتگو و سازش حل کنند (مصطفی زاده و درتاج، ۱۳۹۰) و به جهت همین رویه مثبت حل تعارض، قاعدتاً کمتر کار به درگیری فیزیکی و اعمال خشونت می‌کشد. در حقیقت مهارت در روابط بین فردی اثرات انکارناپذیری در سلامت زندگی انسان دارد (ویلیامسون و همکاران، ۲۰۱۶). پتی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که الگوهای ارتباطی صحیح زوجین در بهبود روابط زناشویی و افزایش رضایتمندی زوجین تأثیرگذار است. الگوهای ارتباطی صحیح به زوجین کمک می‌کند تا با فراگیری مهارت حل مشکل در مواقعی که در زندگی خود با مشکلی روبرو می‌شوند و یا نیازمند به تصمیم‌گیری‌های بسیار مهمی هستند، راهکارهای مناسب‌تری ایجاد کنند و رضایت از زندگی زناشویی بالاتری را احساس کنند. این افراد به جای کناره‌گیری و فرار از مشکلات، با مشکلات مواجهه می‌شوند و همین امر سبب می‌شود با مسائل زندگی خود به شیوه‌ای مدبرانه برخورد نمایند. شواهد فراوانی نشان می‌دهد که از دلایل رضایت زناشویی پایین افراد متأهل نقص و عدم وجود الگوی ارتباطی کارآمد است (گاتمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ فینچام<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). در حقیقت الگوهای ارتباطی خوب و مطلوب فراهم‌کننده شکوفایی و تحول سایر جنبه‌های شخصیت می‌باشد و در مقابل الگوهای نامناسب روابط زوجین می‌تواند به دامنه‌ی وسیعی از رفتارهای مرضی نظیر خشونت خانگی منجر شود (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱). الگوهای ارتباطی صحیح به داشتن مهارت بین فردی مناسب، توانایی انجام مطلوب امور زندگی، رضایت از خود و دیگران و میزان حمایت اجتماعی اشاره دارد (آداجی و ویلوگی، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد که الگوهای ارتباطی موثر باعث می‌شود که فرد در برخورد با مشکل مقتدرانه عمل کند، و با اعتماد به نفس بیشتر، توانایی مقابله موثر و منطقی

1. Ryan, Anastario & DaCunha

2. Petty

3. Gottman

4. Fin cham



با خواسته‌های غیرمنطقی دیگران را داشته باشد و حالت انفعالی در مقابل خشونت دیگران نداشته باشد. از دیگر سو، الگوهای ارتباطی اجتنابی و توقع/کناره‌گیری نه تنها افراد را در جهت برقراری روابط سالم و سازنده با افرادی که حمایت عاطفی، اطلاعاتی و ابزاری آن‌ها می‌تواند به فرد در مقابله موثر با مشکلات یاری رساند، کمک نمی‌کند بلکه منجر به دوری از آنها می‌شود (تیلور، اسمیت، بابیاک، باربور، هافمن و سبرینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) لذا الگوهای ناکارآمد مذکور می‌توانند منجر به افزایش میزان خشونت دریافت‌شده، شوند.

همچنین نتایج نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی نیز واریانس خشونت دریافت‌شده را به طور معناداری در جهت منفی تبیین می‌کنند. بدین صورت که خودکارآمدی و امیدواری خشونت دریافت‌شده را در جهت منفی پیش‌بینی می‌کند.

این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های اوتلی و رابرتسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، تقدیسی و همکاران (۲۰۱۵) و رابرتز، چمبرلین و دلفابرو<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) می‌باشد و نتایج پژوهش‌های جدید حاکی از تأثیر سرمایه‌های روان‌شناختی در سلامت خانواده و روابط زوجین می‌باشد (پناهی و فاتحی زاده، ۱۳۹۳). در تبیین این یافته و در خصوص اهمیت امید باید اذعان داشت که خلق چندین راه حل هنگام مواجهه با بحران خیلی مهم است و افراد امیدوار خود را برای یافتن راه‌حل‌های متناوب توانا می‌بینند، به عبارت دیگر، افراد امیدوار واقعاً قادر به خلق راه‌های گوناگون هستند (اسنایدر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). این توانایی خلق راه‌حل‌های متفاوت می‌تواند منجر به ایجاد فضایی مطلوب در روابط زوجین برای حل مسئله‌شان شود و از بروز خشم خود و طرف مقابل جلوگیری کند. حال آنکه بخشی از خشم و در نوع بخصوص آن یعنی همسرآزاری ناشی از درماندگی از راه‌حل‌های موجود است (اوشی و همکاران، ۲۰۱۶). مطابق نتایج پژوهشی مشخص شده است که مجموع عوامل امید در تعامل کامل با کیفیت و معناداری زندگی بوده و با افسردگی همبستگی منفی معناداری دارند (اسنایدر، ۲۰۰۰). اشخاص با سطح امید بالاتر موانع را به‌عنوان چالش تعبیر می‌کنند و راه‌های دیگری پیدا کرده و انگیزش خود را در مسیر جدید بکار می‌برند. با توجه به موفقیت‌های کسب‌شده در هنگام مواجهه با موانع، افراد امیدوار با هیجانات مثبت خود به سمت جلو حرکت می‌کنند در حالی که افراد ناامید نمی‌توانند راه‌های جدید را پیدا کنند، در عوض، هیجانات منفی و نشخوار فکری آن‌ها مانع پیگیری اهدافشان می‌شود (اسنایدر، لینچ، راوید، برگ و کاپلان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) و ناامیدی آن‌ها در رفتارهای طرف مقابل نیز اثرگذار است و چه بسا می‌تواند خشم آن‌ها را نیز برانگیزد.

تقدیسی و همکاران (۲۰۱۵) نیز در رابطه با اثرات خودکارآمدی بر کاهش خشونت خانگی نشان دادند که آموزش‌های مرتبط با خودکارآمدی منجر به کاهش خشونت خانگی افراد می‌شود. دی‌کو، لینچ، کول و کاپلان<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) نیز در این رابطه بیان می‌دارند که خودکارآمدی می‌تواند به عنوان یک عامل میانجی هم در کاهش خشونت دریافت‌شده و هم در کاهش اثرات خشم دریافت‌شده اثرگذار است و به عنوان یک عامل مهم در این حوزه به شمار می‌آید. در واقع سیستم خودکارآمدی در چگونگی درک ما از شرایط مختلف و چگونگی رفتار ما در واکنش به آن‌ها، نقش عمده‌ای ایفا می‌کند لذا می‌توان اذعان داشت که افراد دارای خودکارآمدی ضعیف به دلیل ضعف این ساختار قادر به واکنش مناسب در موقعیت تنش‌زا

1. Taylor, Smith, Babyak, Barbour, Hoffman & Sebring

2. Utley & Robertson

3. Roberts, Chamberlain & Delfabbro

4. Snyder

5. Snyder, Lynch, Ravid, Berg & Kaplan

6. DeCou, Lynch, Cole, Kaplan

نبوده (رجبی، ۱۳۹۰) و راحت‌تر از سایرین زمینه را برای خشم در دیگران و قربانی شدن خود فراهم کنند. نتایج پژوهش‌های رابرتز و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که سرمایه‌های روانشناختی در زنان قربانی خشونت (مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده) از جهات متعددی پایین است و این مسئله تأثیر متقابلی بر دریافت خشونت برایشان را دارد، چرا که افراد با توانایی روانی پایین و فقدان مهارت حل مسئله بیشتر قربانی خشونت می‌شوند. در مجموع با توجه به نتایج حاصله می‌توان اذعان داشت که خشونت خانگی و ویژگی‌های درون فردی و میان فردی دارای یک سیکل ارتباطی معیوب هستند به این صورت که الگوهای ناکارآمد بین فردی و یا ویژگی‌های فردی باعث بروز تنش و نهایتاً خشونت و پذیرش خشونت می‌شود و خشونت حاصله منجر به کاهش توانمندی‌ها و در هم شکستن روابط می‌شود که خشونت‌های شدید تر را به دنبال دارد و این چرخه معیوب عواقب زیان‌باری برای خانواده‌ها خواهد داشت.

### منابع

- احدی، محبوبه؛ رهنوردی، منا؛ کیانی، مهرزاد؛ پورحسین قلی، اسما. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط خشونت خانگی و افکار خودکشی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی و دادگاه‌های خانواده شهرستان رشت سال ۱۳۹۲. مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۰، شماره ۴، ۲۰۱-۲۰۹.
- ازخوش، م؛ عسگری، ع. (۱۳۸۶). اندازه‌گیری باورها غیر منطقی در روابط زناشویی: استاندارد سازی پرسشنامه باورهای ارتباطی. روانشناسی تحولی، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۵۳-۱۳۷.
- امینی، لیل؛ حیدری، مریم؛ دانش پرور، حمیدرضا؛ قرانی، بنفشه؛ مهران، عباس. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط ابعاد خشونت خانگی با برخی تعیین‌کننده‌های اجتماعی ساختاری سلامت زنان. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۴، شماره ۱۱۴، ۱۳۴-۱۳۰.
- بشارت، م. ع. محمدمهر، ر. پورپهلول، س. عزیزی، ل. (۱۳۹۱). «بررسی ویژگی‌های روانسنجی فرم ۶۰ سوالی مقیاس مشکلات بین شخصی». نشریه دانشکده پرستاری و مامایی، ۱۹، ۷۶-۱۰.
- پناهی، احسان؛ فاتحی زاده، مریم السادات. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مولفه‌های سرمایه‌های روان‌شناختی و کیفیت زندگی زناشویی در بین زوجین شهر اصفهان. زن و جامعه، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹-۱۵۵.
- جوادی، م. سپهوند، م. محمودی، ح. سوری، ا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کیفیت زندگی پرستاران بیمارستانهای خرم‌آباد. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۲۱، شماره ۱، ۴۱-۳۲.
- خدایاری فرد، م. زارع پور، م. حجازی، ا. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر صمیمیت زناشویی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳، ۴۹-۶۰.
- دلاور، ع. (۱۳۹۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی. تهران: انتشارات رشد.
- رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۰). بررسی پایایی، روایی مقیاس باورهای خود کارآمدی عمومی (GSE-۱۰) در دانشجویان روانشناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- شیخی کوهساری، ز. (۱۳۹۰). اثر بخشی آموزش غنی سازی ازدواج اولسون بر ارتقاء آگاهی از انتظارات بهبود باورهای ارتباطی و افزایش رضایت زناشویی افراد مراجعه‌کننده به بهزیستی گنبد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- عبادت پور، بهناز. (۱۳۷۹). هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۸-۷۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- علی‌کمالی، مریم؛ رحیمی‌کیان، فاطمه؛ میرمحمدعلی، ماندانا؛ مهران، عباس؛ شفیعی، الهام. (۱۳۹۴).

مقایسه خشونت خانگی و برخی عوامل مرتبط با آن در زنان باردار در دو جمعیت شهری و روستایی شهرستان زرنند در سال ۱۳۹۳. مجله بالینی پرستاری و مامایی، دوره ۴، شماره ۲، ۷۸-۶۹.

فتحی اقدام، ق. احدی، ح. جمهری، ف. فرخی، ن. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در تعارض زناشویی و کیفیت زندگی دانشجویان زن. فصلنامه علوم رفتاری، دوره ۳، ۱۲۲-۱۰۱.

گلدنبرگ، ا؛ گلدنبرگ، اچ. (۲۰۰۰). خانواده درمانی. ترجمه: حمیدرضا نقشبندی. (۱۳۹۵). تهران: نشر دوران.

محبی نورالدین وند، محمد حسین؛ شهینی بیلاق، منیجه؛ پاشاشریفی، حسن. (۱۳۹۳). رابطه سرمایه روانشناختی (امید، خوش بینی، تاب آوری و خودکارآمدی) با هدف‌های پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان سال اول. پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال ۱۱، دوره ۲، شماره ۱۳ (پیاپی ۴۰)، ۶۱-۷۹.

محمدخانی، پروانه، آزادمهر، هدیه و متقی، شکوفه (۱۳۸۹). رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳، ۲۰۲ - ۱۹۵.

- Adachi, P. J., & Willoughby, T. (2013). More than just fun and games: The longitudinal relationships between strategic video games, self-reported problem solving skills, and academic grades. *Journal of youth and Adolescence, 42*(7), 1041-1052.
- Avey, J. B., Patera, J. L., & West, B. J. (2006). The implications of positive psychological capital on employee absenteeism. *Journal of Leadership & Organizational Studies, 13*(2), 42-60.
- Bryant, F.B., & Cvenegros, J.A. (2004). Distinguishing hope and optimism journal of social and clinical psychology, 23, 273-302.
- DeCou, C. R., Lynch, S. M., Cole, T. T., & Kaplan, S. P. (2015). Coping Self Efficacy Moderates the Association Between Severity of Partner Violence and PTSD Symptoms Among Incarcerated Women. *Journal of Traumatic Stress, 28*(5), 465-468.
- Faller, H., Schuler, M., Richard, M., Heckl, U., Weis, J., & Küffner, R. (2013). Effects of psycho-oncologic interventions on emotional distress and quality of life in adult patients with cancer: systematic review and meta-analysis. *Journal of Clinical Oncology, JCO-2011*.
- Faller, H., Schuler, M., Richard, M., Heckl, U., Weis, J., & Küffner, R. (2013). Effects of psycho-oncologic interventions on emotional distress and quality of life in adult patients with cancer: systematic review and meta-analysis. *Journal of Clinical Oncology, JCO-2011*.
- Fin cham, F.D. (2003). Marital conflict: Correlates, structure and context. *Current directions in psychological science, vol 12*.
- Goldsmith, D. J. (2015). 11 Uncertainty and Communication in Couples Coping with Serious Illness. *Uncertainty, information management, and disclosure decisions: Theories and applications, 203*.
- Gottman, J. M. (2004). *The social psychophysiology of marriage, perspective on marital interaction*. Clevedon, Multilinyual matters.
- Horowitz, L.M. (2004). *Interpersonal foundationsof psychopathology*. Washington DC: American Psychological Association.
- Imhonde, H. O., Oyaziwo, A., & Ifunanyachukwu, N. R. (2008). Effective communication, educational qualification and age as determinats of marital satisfaction among newly wedded-couples in a Nigeria, University. *Pakistan Journal of Social Sciences, 5*, 433-437
- Lutthans, F., Youssef, M., & Avolio, J. (2007). *Psychological capital , Developing the Human Competitive Edge*, Oxford, University Press.
- O'Shea, M. T., Collins, C., Ailis, N. R., & Daly, M. D. (2016). *Domestic Violence during Pregnancy: GP Survey Report*.
- Petty, B. D. (2008). A grounde theory study of the positive influence of the educational experience on the

- marriage relationship. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Special Education at The University of Idaho.
- Roberts, D., Chamberlain, P., & Delfabbro, P. (2015). Women's experiences of the processes associated with the Family Court of Australia in the context of domestic violence: a thematic analysis. *Psychiatry, Psychology and Law*, 22(4), 599-615.
- Ronan, G.F. & Dreer, L.E. (2004). Violent couples coping and Communication skills. *Journal of family violence* 19.131-142.
- Ryan, C., Anastario, M., & DaCunha, A. (2006). Changing coverage of domestic violence murders A longitudinal experiment in participatory communication. *Journal of Interpersonal Violence*, 21(2), 209-228.
- Sakiko, F., Keiko, O., & Akemi, Y. (2010). Effectiveness of communication skills training of nurses on the quality of life and satisfaction with health care professionals among newly diagnosed cancer patients: a preliminary study. [www.marige@MNS.Com](http://www.marige@MNS.Com). 15/9/2010.
- Schiling, E. A., Baucom, D. H., Burnett, C., K. Allen, E. S., & Rogland, L. (2003). Altering the course of marriage: The effect of (PREP). Communication skills acquisition on couples risk of becoming maritally distressed. *Journal of Family Psychology*, 17, 41- 53.
- Snyder, C.R. (2000). *Handbook of Hope: Theory, Measures, and Applications*. San Diego: Academic Press; 2000.
- Snyder, C.R., Ritschel, L.A., Ravid, L.K., & Berg V.J. (2006). Balancing Psychological Assessments: Including Strengths and Hope in Client Reports. *Journal of Clinical Psychology* 61 (1), 33-46.
- Straus, M. A., Hamby, S. L., Sue B. M., David, B. S. (1996). The Revised Conflict Tactics Scales (CTS2). *JOURNAL OF FAMILY ISSUES*. Vol. 17 No. 3. May 1996 283-316.
- Taghdisi, M. H., Latifi, M., Afkari, M. E., Dastoorpour, M., Estebarsari, F., & Jamalzadeh, F. (2015). The Impact of Educational Intervention to Increase Self Efficacy and Awareness for the Prevention of Domestic Violence Against Women. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 3(1), 32-38.
- Taylor, J. L., Smith, P., Babyak, M., Barbour, K., Hoffman, B., & Sebring, D. (2008). Coping and quality of life in patients awaiting lung transplantation. *Journal of psychosomatic Research*. 65: 71-79.
- Utley, J. L., & Robertson, A. R. (2015). Strategies for Working with Dual-Career Couples in the Hope Focused Couples Approach. Testo disponibile al sito: [http://hopecouples.yolasite.com/resources/Strategy\\_Guides/Strategies%20for%20Working%20with%20Dual%20Career%20Couples.pdf](http://hopecouples.yolasite.com/resources/Strategy_Guides/Strategies%20for%20Working%20with%20Dual%20Career%20Couples.pdf) data di consultazione Marzo.
- Walumbwa, F. O., Luthans, F., Avey, J. B., & Oke, A. (2011). Retracted: Authentically leading groups: The mediating role of collective psychological capital and trust. *Journal of Organizational Behavior*, 32(1), 4-24.
- Williamson, H. C., Altman, N., Hsueh, J., & Bradbury, T. N. (2016). Effects of relationship education on couple communication and satisfaction: A randomized controlled trial with low-income couples. *Journal of consulting and clinical psychology*, 84(2), 156.
- World Health Organization. (2005). WHO multi-country study on women's health and domestic violence against women: Summary report of initial results on prevalence, health outcomes and women's responses. Geneva: World Health Organization.
- World Health Organization. (2016). Violence and Health. Center for Global Nonkilling; 9-79
- Young, M.E., & Long, L. (2014) *counseling and therapy for couples*. New York brooks/ coo/ Publisher Company.